

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

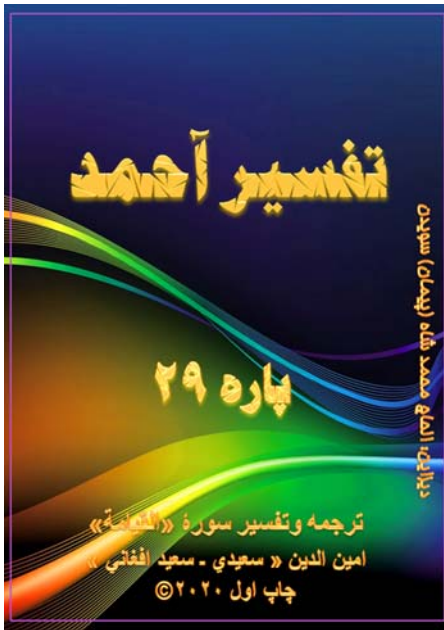
الحاج داکتر امین الدین سعیدی "سعیدافغانی"

۱۸ می ۲۰۲۱

بسم الله الرحمن الرحيم

ترجمه و تفسیر سوره القیامة-

سوره قیامة در مکه مکرمه نازل شده و دارای چهل آیت و دو رکوع می باشد.



وَجُودٌ يَوْمَئِذٍ نَّاصِرَةٌ (۲۲)

در آن روز چهره‌هائی شاداب (و مسرور) هستند. (۲۲)
«ناصِرَةٌ» از ماده «نَصْرَةٌ» به معنای طراوت، شادابی و سرور آمده است، به صورت کل این کلمه و مشتقاتش، سه بار در قرآن عظیم الشان تذکر رفته است (سوره انسان/۱۱، سوره مطفین/۲۴ و سوره قیامت/۲۲)، این سه آیت اشاره به پادشاهای خداوند در روز قیامت دارد که شامل انسانهای مؤمن، مخلص و نیکوکار خواهد شد.
در جای دیگر، علت این سرور و شادابی را رحمتها و نعمتهای خداوند دانسته می فرماید: «تعرف فی وجوههم نصره النعم» در چهره های آنها طراوت و نشاط نعمت را می بینی (مطفین/۲۴) بنا بر این، آیت شریفه در باره حالت مؤمنان در قیامت است که با چهره شادمان و مسرور در آنجا حاضر می شوند.

إِلَىٰ رَبِّهَا نَاظِرَةٌ (۲۳)

و به پروردگار خود می نگرند. (۲۳)

تعدادی از انسانها بر اثر اعمال نیک در روز قیامت صورت نورانی و سفیدی دارند که در واقع انعکاس و ظهوری از اعمال نیک دنیائی آنهاست. قرآن عظیم الشان به صورت کلی، بدون این که خصوصیات این اشخاص را نام ببرد، این حقیقت را بیان نموده، می فرماید: «روزی که چهره هائی سفید و چهره هائی سیاه شود و اما روسفیدان در رحمت خدا قرار می گیرند و در آن جاویدان اند» و همچنین صورت نورانی برخی از این افراد را چنین بیان نموده است: و برخی چهره ها در آن روز روشن و نورانی است، خندان و شادمان است.»

و گاهی به صورت محدودتر می فرماید: مؤمنین در آن روز نورانی هستند: «[روزی که] نور مؤمنان پیشاپیش و سمت راستشان می شتابد، می گویند: پروردگارا! نورمان را برای ما کامل گردان.»

حال باید دید اینها چه کسانی هستند و چه اعمالی انجام داده اند که با چنین چهره هائی محشور شده اند! توجّه دارید که نورانی بودن چهره و داشتن یک صورت نورانی فقط یک نماد ظاهری نیست؛ بلکه نشانه رستگاری ابدی است؛ چنان که اشاره شد، قرآن می فرماید: «و اما روسفیدان در رحمت (و بهشت) خدا جاویدانه هستند.»

وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ بَاسِرَةٌ (۲۴)

و چهره هائی در آن روز گرفته (و غمگین) است (۲۴)

«وُجُوهٌ»: هدف از آن چهره های کافران و منافقان و گنهگاران می باشد.

«بَاسِرَةٌ»: در هم کشیده. عبوس. ترش (مراجعه شود به سوره مدّثر).

پروردگار با عظمت ما بندگان را از روی عدل دوزخی می نمایند و بندگان را از روی فضل به بهشت می برد، به این معنا که آن اشخاصی که تمام حیات دنیوی ایشان را با کفر گذرانده اند، سزای اعمالشان در روز قیامت نیز این خواهد بود که تمام حیات اخروی ایشان را از دست داده اند «جزاء وفاقا» (آیه ۲۶ سوره نبأ) و کسانی که حیات دنیوی ایشان را در عبادت خداوند گذرانده اند، آنها نیز جزایشان اینست که تمام حیات اخروی ایشان را در بهشت کسب کنند، ولی این نعمت به خاطر فضل خداوند هست، زیرا بیشتر از آنچه که عبادت خداوند را در دنیا انجام داده اند در بهشت خواهند ماند و در آنجا تا ابد جاویدان خواهند بود و این که خداوند عذاب شدیدی را برای مشرکان و کفار مهیا کرده، در عوض نعمت عظیمی نیز در بهشت برای صالحین آماده است، لذا الله تبارک و تعالی می فرماید: «... فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ..» (سوره الکهف: ۲۹)، یعنی: (پس هر که بخواهد ایمان آورد و هر که بخواهد کافر شود) و می فرماید: «قَدْ أفلَحَ مَنْ رَكَّاهَا * وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا» (الشمس: ۱۰ - ۹) یعنی: (هر کس آن را (نفس خود را) پاک گردانید، قطعاً رستگار می شود و هر کس آن را (نفس خود را) آلوده کرد، قطعاً زیانکار می شود).

تَظُنُّ أَنْ يُفْعَلَ بِهَا فَاقِرَةٌ (۲۵)

(چون) یقین دارند که در معرض عذابی کمرشکن قرار خواهند گرفت. (۲۵)

«فَاقِرَةٌ»: آسیبی کمرشکن، مصیبتی سخت.»

بعد از این که محاسبه کفار و فجار به اتمام برسد و می خواهند مانند مؤمنین بر روی پل صراط (که از بالای جهنم می گذرد) عبور کنند، فرشتگان به آنان اجازه نمی دهند و نمی گذارند که عبور کنند، بلکه آنها را با قلاب و زنجیر می کشانند و به داخل جهنم می اندازند.

جهنم!... چه جهنمی!... در حدیث صحیح روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده اند: «جهنم آورده می شود، در حالی که دارای هفتاد هزار افسار می باشد، با هر افساری هفتاد هزار فرشته می باشد، که جهنم را می کشانند...».

بدرستی که آن، منزلگاه پستی، رسوائی، و عذاب و شکست است، منزلی است که فریادهای آه و ناله ها از آن بلند می شود و کسانی که در آن هستند در بدبختی و بیچارگی همیشگی به سر می برند، در آن انواع و اقسام عذابها و شکنجهها می باشد، آتش سوزان... مارها... کژدم های بزرگ و نوشیدن آبهای داغ، آن آبی که با نوشیدن آن تمامی رودهها تکه تکه می شود، و همچنین نوشیدن کثافتها و چرکها و خونها، و زقوم که اگر قطره از آن زقوم در دنیا چکیده شود زندگی اهل دنیا را تلخ و ناگوار می سازد.

پیامبر اسلام محمدصلی الله علیه وسلم در حدیثی که امام بخاری و امام مسلم روایت کرده اند، می فرماید: «اتَّقُوا النَّارَ وَلَوْ بِشِقِّ تَمْرَةٍ فَإِنَّ لَمْ تَجِدْ فِيْكَلِمَةٍ طَيِّبَةٍ». «از آتش دوزخ بترسید، گرچه با صدقه دادن نصف دانه خرما باشد، پس اگر کسی نیابد، با گفتار نیکو و کلمه طیبه از آتش بترسد». الله تعالی همه ما را از آتش جهنم نجات دهد و بهشت جاویدان نصیبمان گرداند آمین.

كَلَّا إِذَا بَلَغَتِ النَّرَاقِي (۲۶)

چنین نیست که (ایشان گمان دارند) او ایمان نمی آورد تا موقعی که جان به گلوگاهش رسد. (۲۶) «النَّرَاقِي»: جمع ترقوه، به معنی استخوانهایی است که گرداگرد گلو را گرفته اند. رسیدن جان به گلوگاه، کنایه از آخرین لحظات عمر است.

وَقِيلَ مَنْ رَاقٍ (۲۷)

و گفته شود: آیا کسی هست که افسون بخواند؟ (۲۷)

و این مریض را از مرگ نجات دهد؟! «رَاقٍ» «افسوس کننده، تعویذ نویس».

وَوَظَّنَّ أَنَّهُ الْفِرَاقُ (۲۸)

و (محتضر) یقین کند که زمان جدائی (روح از بدن) فرا رسیده است. (۲۸) واقعیت اینست که هیچ افسونگر نمی تواند جلو مرگ انسان را بگیرد، واقعاً هم حالت احتضار برای مسلمانان بی نهایت مهم می باشد، لحظاتی است که روح از بدن خدا حافظی می گیرد.

در این حالت است که قدم های انسان قریب المرگ سست می شود، انسان دیگر قوت و توازن ایستاده شدن را از دست می دهد، زمانی که بخواهد ایستاده شود گاهی به یک سو و گاهی به سوی دیگر سقوط می کند و در نهایت قوت و حوصله راه رفتن را به صورت کل از دست می دهد، سربینی انسان قریب الموت تقریباً مایل به کجی می شود، شقیقه ها و فکهای انسان فرو می رود، پوست روی انسان کشیده می شود، و رنگ داخل چشم، گوش ها تغییر کرده (مایل به کم رنگی) می شود، پوست خصیتین دراز می شود، حالت شدید ترس انسان را می پیچاند، از تنهایی سخت در خوف و هراس می باشد. در برخی از اوقات از دیدن چیز های عجیب و غریب صحبت به عمل می آورد، و مبتلا به خواب های متنوع و احیاناً ترس آور می گردد.

در وقت جان کندن نفس انسان کوتاه کوتاه می شود این بدین معنی است که انسان در وقت جان دادن زود زود نفس می کشد، همه جسم انسان به خصوص پاها بی قوت می شود.

دهن انسان کج می شود، گوشها بی حواس می شود.

می گویند که اگر انسان ضعیف جسم باشد روح از بدن آن به صورت فوری و تقریباً به آسانی کشیده می شود، ولی اگر انسان قوی جسم باشد، از حنجره اش صدای مخصوصی شنیده می شود.

قابل یادآوری است که پس از جداشدن روح از بدن هر عضو بدن به سردی می گرانید، اول پاها از حرکت باز می ماند، زیر روح اول از طرف پاها کشیده می شود و سپس به تدریج از راه دهان بیرون می رود سپس ساقها، رانها و همین طور سایر اعضای بدن از حرکت باز می ماند.

تشنگی شدید و زاید الوصف، انسان را فرا می گیرد و لب های انسان خشک می گردد، چشم ها زیادتر اوقات باز و در برخی از انسانها بسته می ماند، مطابق احادیث نبوی انسانی که در احتضار قرار دارد ملائکه قبض روح را به چشم می بیند، و زیاد علاقه دارد تا اقارب و دوستانش، به خصوص زن و فرزنداناش که ثمره زندگی اش است، در کنارش

حضور داشته باشند، در این حالت انسان علاقه زاید الوصفی به آن‌ده از انسانها نشان می‌دهد که بتواند او را به سوی آرامش دعوت کند و وی را از حالت ترس سكرات مرگ آرام سازد. از جمله علماء صالحین و انسانهایی که در تقوا و فضیلت معروف باشند، می‌توانند این وظیفه را به وجه احسن انجام دهند و کمک خوبی را برای شخص محتضر به عمل آرند.

مطابق احادیث نبوی، کسی که در حالت نزع یا به اصطلاح در حالت احتضار قرار داشته باشد، اگر آرامش و سکون بر او مسلط باشد و زبانش به بیان کلمه شهادت حرکت و قلبش به امید به رحم خداوند شاد باشد در بهترین حالت مرگ قرار دارد.

پیامبر صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: «**ارقبوا المیت عند ثلاث: إذا رشح جبینه ودمعت عیناه ویبست شفتاه فهی من رحمة الله قد نزلت به و اذا غط غطیط المخنوق واحمر لونه واریدت شفتاه فهی من عذاب الله قد نزل به**». (به هنگام مرگ شخص متوجه سه حالت باشید اگر پیشانی‌اش به عرق نشست و اشک در چشمانش حلقه زد و لبهایش خشک شد این حالت در اثر رحمتی است که از جانب پروردگار بر او نازل شده است. اما اگر مانند کسی که دارد خفه اش می‌کنند به غر افتاد و رنگش سرخ شد و لبهایش سبز و کیود گردیده باشد، این حالت‌ها نشانه این است که او در عذاب قرار دارد.) (راوی حدیث ابو داود ۲۸۵۷، نسایی ۱۶۵۴) (شیخ‌البنانی این حدیث را حسن دانسته است.)

همچنان پیامبر اسلام محمد صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: «**هنگامی که زمان وفات مسلمان فرا رسیده، بعضی از اعضاء بدن او بر بعضی دیگر سلام داده با هم خدا حافظی می‌کنند! و به همدیگر چنین می‌گویند: سلام بر تو، تو از من و من نیز از تو مفارقت می‌کنم تا روز قیامت که با هم همراه (روح) و حلول آن در بدن، روز رستاخیز همدیگر را ملاقات کنیم**».

پیامبر صلی الله علیه وسلم زندگی دنیا را خواب و مرگ را بیداری معرفی داشته، و می‌فرماید مرگ دریچه‌ای است برای خروج از عالم خیال و ورود به جهان حقیقت و واقعیت.

مرگ ما را با دنیا تازه‌ای روبه‌رو می‌کند که همه عوالم آن برای ما شگفت‌انگیز و ورود به این دنیای جدید، تنها با بر افتادن پرده‌ای امکان می‌یابد که به دست مرگ فرو افتد.

پیامبر اسلام می‌فرماید: ای مردم این حقیقت را از خاتم پیامبران بشنوید که: هر که می‌میرد در حقیقت نمرده است، و اگر در ظاهر پوسیده می‌شود در باطن چیزی از ما پوسیده نمی‌شود بلکه پایدار می‌ماند.

پیامبر اسلام در مورد شخصی که فوت کرده بود فرمود: «**أصبح مر تحلاً عن الدنيا و ترکها لا هلهما فان كان قد رضی فلا یسره أن یرجع إلى الدنيا كما لا یسر أحد یرجع إلى بطن أمه**» (او از دنیا رفت و آن را برای ساکنان آن به جا گذاشت. اگر از این سفر راضی باشد، دوست ندارد به دنیا برگردد همانگونه که هیچ یک شما دوست ندارد که به شکم مادر خویش دوباره برگردد.)

پیامبر اسلام با ذکر این مثال با صراحت توضیح داد که گسترش آخرت نسبت به دنیا مانند گسترش دنیا نسبت به رحم تاریخ مادر است.

ادامه دارد